

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

هشتم مارس اسفند بر شرایطی بر گزار میگردد که شعارها و تصمیمات کنگره جهانی زنان مبارزه در راه برابری - پیشرفت - صلح - در مرکز توجه جنبش جهانی و مترقی زنان قرار دارد. اهمیت این شعار مرکزی در اینجاست که از طرفی مسئله برابری حقوق اجتماعی و اقتصادی زن و مرد را در جامعه برجسته میکند و از طرف دیگر آنها را با مسئله پیشرفت اجتماعی و نبرد

فرخنده باد روز هشتم مارس - روز بین المللی زنان

در راه صلح جهانی پیوند میدهد. سخن دیگر دوم مبارزه ناگسستی در برابر زنان جهان و از آنجمله زنان میهن ما قرار میگیرد: مبارزه در راه حقوق حقه اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی زن و مبارزه در راه تحول مترقی جامعه یا بعبارت دیگر مبارزه صنفی و مبارزه سیاسی. در مورد مبارزه صنفی باید گفت که علی رغم دعوی دور و دراز رژیم ایران در باره رفاه زن ایرانی این مسئله هنوز در کشور ما حل نشده و محرومیت های مختلف زن در جامعه، خانواده و حیات اقتصادی ادامه دارد. باید توانست با استفاده از کلیه امکانات موجود، با استفاده از تمام قوه های که سخنگویان رژیم بر گردن گرفته اند، مبارزه صنفی زنان را بسط داد و تا آنجا که ممکن است هیئت حاکمه را به عقب نشینی هلی بیشتر و بیشتری وادار ساخت. سازمان ملل متحد دهه ای را که اکنون ما در جریان آن هستیم بعنوان

دهه دفاع از برابری اجتماعی زن اعلام داشته و این امر بنوبه خود مورد حمایت فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان قرار گرفته است. دولت ایران در جریان کنفرانس مکزیکو به خواسته های مربوط به حقوق زن در حرف صحنه گذاشته است. زنان کشور ما باید بطلبند که این وعده ها و حرفهای بلون پشتوانه و امضاء کردن عوامفریبانه اسناد مختلف به عمل، به موازین و مقررات و قوانین، به اقدامات زنده و محسوس بدل گردد.

مبارزه صنفی در راه برابری حقوق چنانکه گفتم با مبارزه سیاسی زنان ایران همبندی مردان مترقی برای تحول مترقی در کشور ما ارتباط منطقی و سرشتی دارد. در این شصتین سال انقلاب کبیر اکثریت بجاست سخنی از لنین پیشوای این انقلاب که در مارس سال ۱۹۲۱ دنباله در صفحه ۲

لایحه امپریالیستی را علیه نیروهای انقلابی

و مترقی جهان برملا کنیم!

(اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

الحق که امپریالیستها در دعوی خود که گویا آنها حامیان حقوق بشر و سوسیالیسم ناقص حقوق بشر است کار دعوی گستاخانه را از هر حد و تصایب گذرانده اند. به برخی واقفیت های عیان نظر افکنیم: (۱) در کشور های سرمایه داری سیستم کار مزدوری حکمرواست. کارگران و دهقانانی که نیروی عمده ایجاد ثروت هستند حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری قهرهاست برای دستمزد کافی مبارزه میکنند و دائماً دستمزد آنها از هزینه زندگی عقب میماند. از راه بهره کشی خشن و بیرحمانه از کارگران و معدنیان و کشاورزان بهره کشان که خود که یکصلم جامعه را تشکیل میدهند، بخش عمده یعنی گاه بیش از هشتاد درصد ثروت جامعه را بخود اختصاص میدهند و از نتیجه از امتیازات و زندگی افسانه آمیزی بهره مندند. این کشور های بزرگ سرمایه داری نهال شوم بهره کشی سرمایه خاری را در هر جا که توانسته اند کاشته اند و میکارند و از آن جمله در کشور ما نیز نظامی دلخواه خود و وابسته به خویش بوجود آورده اند. در کشور ما نیز دره عظیمی بین فقر و ثروت وجود دارد. موافق محاسبه یک خبر نگار آلمان غربی، در حالیکه قشری از سرمایه داران ایران روزی پنجاه هزار دلار درآمد ویژه دارند، مزد رسمی کارگر ایرانی در بهترین حالت در حدود پنج دلار است. آیا بهره کشی انسان از انسان، فقر تولید کنندگان ثروت، و ثروت غارت کنندگان مردم، مراعات حقوق بشره است؟ آیا اصولاً بهره کشان بی وجدان و چپولگر حق دارند دم از حق بشر بزنند؟ آنها هم در مورد کشور های سوسیالیستی که در آنجا نظام بهره کشی انسان از انسان و آقای ونو کری از بیخ و بن دگرگون شده و برافزوده است؟

روان ترقی اجتماعی در سراسر جهان است: جنبش جهانی بخش ملی، جنبش انقلابی که اجزاء سه گانه روند واحد انقلابی عصر تازه بنامه ای دست می یابد. علیرغم پیش نظر و تقای طبقات حاکمه ارتجاعی و محافظه ر های سرمایه داری، آنها نتوانستند بکمک جنگ سرد، شانتاژ اتمی، مسابقه تبلیغاتی، فشار اقتصادی و غیره این روند را متوقف هر بار مجبور شده اند به عقب نشینی هائی کامیابهای همه جانبه کشورهای سوسیالیستی نیرو های مترقی جهان امروز تن در دهند. باقی امپریالیستها در مقابل پیشرفت جلوه گیری بیش مترقی و انقلابی وسائل مختلفی داشتند. جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم و استقرار حکومت سنی فاشیستی و مداخلات نظامی متوسل میشدند. با این امکانات را نیز بتدریج و بیش از پیش داده و میدهند. برافروختن نائره جنگ جهانی بر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم و ترقی و شانس موفقیت برای امپریالیستهاست. اشکال بدور ضد انقلاب نیز که یکی از نمونه های پلی دیدیم، دسیم دشوار تر میشود. برعکس از قبیل رژیم فرانکو، وان تیو، کایتانو، منگهای سیه یونان، رژیم استبدادی امپراطور نعل آن دچار شکست و انفراد تاریخی میشوند رهای مستعمره سابق مانند آنگولا و موزامبیک حکومت های مترقی و ضد امپریالیستی قدرت میگیرند.

ز این شرایط جهانی، امپریالیستها برای متوقف بند انقلاب و ترقی، بیش از پیش به تبلیغات میز و فرودگونی بی پروا بمنظور بی اعتبار کشور های سوسیالیستی و آرمانهای مترقی، ایجاد تفرقه در جنبش انقلابی جهانی، بمنظور بتن چهره و مقاصد اصلی خویش دست زده اند. سازند و اگر بتوانند به عقب برگردانند. یکی از موضوعات مورد علاقه جارچیان امپریا ملتها پیش موضوع «حقوق بشره» است که وه کشورهای سوسیالیستی آنها نقض میکنند. ح این دعوی بداندمنی است که امپریالیستهای ر و دفل ایالات متحده امریکا و انگلیس و بی و فرانسه و ژاپن و غیره خود «مدافعان» نه حقوق بشر هستند و در کشور های آنها یزد علاقه آنها گویا حقوق انسان حفظ میشود ن کشور های که آنها تحول بینداری و تاریخی بی سابقه اقتصادی و اجتماعی بخاطر ن به اسلوت و ستم و غارت قهرنا روی داده ، خلقی با مترقی ترین شاره ها و آرمانها سر ه اند، آری، درست در این کشور ها گویا شرف نقض میشود! امپریالیستها برای «اثبات» ی لغو و سرایا افتراء آمیز خود از جمله عده شماری از روشنفکران ناراضی در کشور های تی را وسیله قرار داده اند و با بزرگ کردن اظهارات این افراد بکمک دستکامهای عظیم ن گروهی خود، میخوانند دروغ و جعل خویش ن واقفیت جلوه گر سازند.

دنباله در صفحه ۲

یورش تازه رژیم علیه کارگران

(در باره آئین نامه انضباطی)

زحمتکشانی بیافشاند و آنانرا فریب دهد. ولی نه شلاق جلدان ساواک و نه «نان قندی» عوامفریبان رژیم نتوانست نتیجه مورد نظر را برای هیئت حاکمه بوجود آورد. نه تنها از ناراضی کارگران کاسته نشد، بلکه ناخوشودی آنان گسترش یافت. بموازات این گسترش ناخوشودی که قشر های وسیعی از زحمتکشان را بیدار ساخته مبارزه کشانده است، فشار و اختناق ساواکی نیز افزایش یافته است. نمونه آن تهدید هائی است که از سوی شاه و عیالش نسبت به کارگران انجام میگردد و مظهر آن، تغییراتی است که در قانون نا رسانی کار میخوانند بسود کار فرمایان بوجود آوردند و یا چاقی است که بنام « آئین نامه انضباطی » میخوانند علیه کارگران بکار برند.

گرانی و کمیابی روز افزون مواد مصرفی، بخصوص مایحتاج روزانه زحمتکشان، محنت مسکن، فقدان وسایل آموزش و بهداشت و بیمه های واقعی درمانی و اجتماعی، وضع ناخوشایند ترافیک، شرایط دشوار کار، نبودن وسایل ایمنی، رفتار غیر انسانی و نا شایست کار فرمایان و سولان با کارگران و ده ها و صدها عمل دیگر، ناخوشودی میان کارگران را روز بروز بیشتر میکند و آنان را وا میدارد تا برای تأمین حداقل شرایط کار و زندگی به مبارزات نسبتاً وسیعی متوسل شوند. اعتصاب ها و نمایشهای جمعی که خبر هیچیک از آنها در مطبوعات منتشر نمیشود، نشانه ای بر این واقفیت است. کار بجائی کشیده که حتی مطبوعات مجاز نیز ناگرددند، گاه «پلراه انداختن مصاحبه و تشکیل میز گرد» بمنظور ایجاد درجه اطمینان، بانمایندگان کارگران بگفتگو بکشینند. و یا اینکه این نمایندگان غالباً از صافی «ساواک» گذشتند و باز هم حقایق را از شرایط کار و زندگی زحمتکشان بازگو میکنند، که بنوبه خود محکوم کنند. رژیم شاه که هرگز از بکار بردن شیوه های ترور و اعمال زور علیه کارگران و سایر مبارزان ابا نداشتند و ندارد، تا مدتی فکر میکرد با «نان قندی» شریک کردن کارگران در سود و سهام واحد های تولیدی و تبلیغ دربار عدالت اجتماعی میتواند خاک برچشمان باز

رژیم مدعی است، که این اقدامات برای جلوگیری از بی انضباطی و «کم کاری» کارگران در واحد های تولیدی انجام میگردد، که گویا با افزایش بی رویه دستمزدها باعث پائین آمدن میزان بازده کار شده و صنایع کشور را به خطر انداخته است. و این ادعا در زمانی میگذرد که با اعتراض خود رژیم ارزش افزوده صنایع، حتی گاه بیش از ۱۹ درصد در سال بالا رفته، صاحبان واحد های تولیدی حتی بسود های ۲۵ درصد قانع نیستند و طبق ارقام رسمی سهم مزد و حقوق در ارزش افزوده داخلی از ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۱۸٫۴ درصد در سال ۵۲ کاهش یافته است. بی انضباطی، و کم کاری، در قاموس رژیم همان مبارزات اعتراضی و اقتصادی است که کارگران برای مقابله با تشدید استثمار و ستم سرمایه انجام میدهند.

دولت میخواهد با تغییر قانون کار، ایجاد «آئین نامه انضباطی» و تنظیم «طرح جامع طبقه بندی مشاغل» راه هر گونه مبارزه را برای کارگران سد کند. نکته دیگر آنکه، علیرغم پیشرفت نسبی دنباله در صفحه ۲

اطلاعیه

در دیداری که بین هیئت نمایندگی حزب توده ایران، مرکب از رقا: اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی، کیانوری عضو هیئت اجراییه و دبیر کمیته مرکزی و بهزادی عضو کمیته مرکزی و هیئت نمایندگی حزب چپ کمونیستهای سوئد مرکب از رقا: لارسن ورنر صدر هیئت رهبری و پوهامار عضو هیئت رهبری صورت گرفت، موافقت شد که همکاری بین حزب توده ایران و حزب چپ کمونیستهای سوئد بیش از پیش توسعه یابد.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران رفتی سوئدی را بتفصیل از اوضاع سیاسی ایران و مبارزه کمونیستهای ایرانی علیه رژیم دیکتاتوری مطلع ساخت. هیئت نمایندگی حزب چپ کمونیستهای سوئد درباره وضع تازه ای که بعد از انتخابات پائیز (۱۹۷۶) در سوئد بوجود آمده و وظائف کمونیستهای سوئدی، اطلاعاتی در اختیار هیئت نمایندگی حزب توده ایران گذاشت.

حزب چپ کمونیستهای سوئد با ابراز کرات گوناگون، همبستگی با جنبش دمکراتیک مردم ایران و حزب برادر خود، حزب توده ایران را گسترش خواهد داد.

هیئت خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

تلگراف فیدل کاسترو دبیر اول حزب کمونیست کوبا در پاسخ شادباش حزب ما بمناسبت بیستمین سالگرد انتشار روزنامه «گرانما»

رفوق ایرج اسکندری دبیر اول حزب توده ایران!

از سلامهای برادرانه شما بمناسبت بیستمین سالگرد انتشار «گرانما» متشکرم. از این فرصت استفاده کرده به کمونیستهای ایران و خلق ایران سلامهای خلق و حزبمان را تقدیم مینارم.

فیدل کاسترو روز دبیر اول حزب کمونیست کوبا

